



بررسی تطبیقی شروط غیرمنصفانه در قراردادهای تجاری (نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده)

محمد امیدی^۱
جمشید میرزائی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

چکیده

شروط ضمن عقدی که برای طرفین حقوق و تعهداتی ایجاد کند که عمل به آنها موجب ایراد خسارت به یکی از طرفین قرارداد شود، شرط غیرمنصفانه نامیده می‌شود. چنین شرطی به واسطه موضع ضعف و قدرت طرفین یا اصطلاحاً قدرت چانه‌زنی بیشتر یکی از طرفین به قرارداد ورود پیدا می‌کند. ایجاد چنین وضعیتی در برخی قراردادها موجب شد تا عدالت‌خواهان توجه بیشتری به شروط ضمن عقد داشته و در تکاپوی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به دنبال وضع قوانین عدالت محور باشند. لذا اهمیت موضوع باعث گردید تا مسئله مذکور به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا بررسی گردد. در ابتدا، مولفه‌های شناخت شروط غیرمنصفانه مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن، مسئله مورد مطالعه در نظام‌های حقوقی مزبور بیان شد. در انتها چنین نتیجه گرفته شد که قانونگذار ایرانی با تعدیل قانونی و قراردادی و قانونگذار آمریکایی با مفهومی به نام «دکترین نامعقول بودن»، به حمایت از طرف آسیب‌دیده از شروط غیرمنصفانه پرداخته است.

کلید واژه‌ها

حقوق آمریکا، حقوق ایران، شروط غیرمنصفانه، عقود تحمیلی، قرارداد تجاری.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

mohamadeomidi@gmail.com

^۲ استادیار حقوق خصوصی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران، (نویسنده مسئول):

mirzaie.1348@yahoo.com

مقدمه

امروزه اصل آزادی قراردادی به تنهایی تأمین‌کننده تعادل قراردادی نبوده و نیاز به گسترش مبانی جدیدی جهت ایجاد تعادل احساس شده است. در بسیاری از قراردادها، یک طرف که از قدرت چانه زنی بالاتری برخوردار است و به دلیل شرایط خاص اجتماعی در انعقاد آن قرارداد، قدرت را در اختیار دارد، اقدام به درج شروطی در قرارداد می‌کند که غیرمنصفانه به نظر می‌رسد (Barnhizer, 2005: p9)، به چنین شروطی، شروط غیرمنصفانه یا ناعادلانه می‌گویند.

به بیان دیگر، شروط غیرمنصفانه شروطی هستند که باعث برهم خوردن قابل توجه تعادل در حقوق و تعهدات دو طرف قرارداد می‌شوند و عمل به این شروط موجب ایراد خسارت به یکی از طرفین قرارداد می‌شود (محمد حسینی حاجی ور، ۱۴۰۰: ص ۱). به بیان بهتر، گاهی اوقات و به دلایلی یکی از طرفین قرارداد در وضعیت بهتری قرار دارد؛ مثلاً در قرارداد مابین کارفرما و کارگر، یا قرارداد مابین شرکت اقتصادی ثروتمند و کارگاه تولیدی کوچک و یا قراردادهای مابین بانک‌ها و اشخاص حقیقی، در چنین اوضاعی ممکن است از سمت طرف قوی مذاکرات نسبت به طرف ضعیف، شروطی به قرارداد تحمیل گردد که یا طرف ضعیف نسبت به آنها آگاهی ندارد و یا ناگزیر از پذیرش آنهاست.

بدین صورت است که شروط تحمیلی و غیرمنصفانه به قرارداد ورود پیدا کرده و امکان ایراد خسارت به طرف ضعیف قرارداد را فراهم می‌سازد. وجود چنین وضعی در برخی قراردادها و اینکه غالباً چنین شروطی توسط دولت‌ها و یا ثروتمندان و افراد ذی‌نفوذ به قشر ضعیف جامعه تحمیل می‌گردند، عدالت خواهان اجتماعی و قضائی را به پا داشت تا در جهت حمایت از طرف ضعیف قراردادی حرکت کنند.

مصادیق چنین شروطی در قوانین موضوعه ایران و در قوانینی چون «قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳»، «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» و «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸» و قراردادهای مرتبط با قانون کار، یافت می‌گردد. همچنین راهکارهایی برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد و جلوگیری از ورود ضرر و زیان ناشی از شروط غیرمنصفانه به طرف مذکور پیش‌بینی شده است. تعدیل قانونی و قراردادی راهکارهای اصلی قانونگذار در نظام حقوقی ایران برای حمایت از طرفی است که به‌واسطه شروط غیرمنصفانه قراردادی متحمل زیان گردیده است.

در نظام حقوقی ایالات متحده هم با توجه به چنین شروطی و مبانی غیرمعقول بودن^۱ و غیرعادلانه بودن^۲، حمایت از طرف ضعیف قرارداد، مد نظر قانونگذار قرار گرفته است. بدین وسیله قانونگذار با پیش‌بینی و وضع مقررات به حمایت از طرفی که از شروط غیرمنصفانه متضرر شده، پرداخته است. چنین حمایتی بیشتر در ماده ۳۰۲-۲ قانون متحدالشکل تجاری قابل مشاهده است؛ هرچند که بصورت پراکنده

¹ Unconscionability

² Unfair

در مواد دیگر نیز مشاهده می‌شود. به علاوه در نظام حقوقی مذکور از مفهوم «دکترین نامعقول بودن» نیز برای چنین مسئله‌ای بهره برده شده است (کاظم پور، ۱۳۸۹: ص ۱۴۱).

اما مسئله اساسی در بررسی موضوع مورد مطالعه در مقاله حاضر، شناسایی شروط غیرمنصفانه است؛ باید مشخص شود که به چه شروطی غیرمنصفانه گفته می‌شود تا در مورد نحوه برخورد قانونگذار در نظام‌های حقوقی مذکور با آنها صحبت کرد. برای دستیابی به چنین هدفی، نیاز است تا مولفه‌های شروط غیر منصفانه مورد تحلیل قرار بگیرند. سوال مهمی که در مورد اخیر به ذهن متبادر می‌گردد این است که آیا مولفه‌های شروط غیرمنصفانه قراردادی در حقوق ایران و ایالات متحده با هم متفاوتند؟

هدف از نگارش این مقاله پاسخ به پرسش اخیر و پرسش‌هایی از این دست است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای کوشیده است تا به سوالات پیرامون شروط غیرمنصفانه قراردادی در حقوق ایران و آمریکا پاسخ دهد و مصادیق آن را در نظام‌های حقوقی مذکور بررسی نماید. همچنین مولفه‌های شناخت این شروط را مشخص نماید. همچنین کوشیده شده است تا روش‌های حمایتی قانونی در برابر شروط غیرمنصفانه بیان شوند. در نهایت سعی بر آن بوده است تا نتیجه گیری تطبیقی و حتی المقدر دقیقی از مطالعه حاضر بدست آید و رسالت مطالعه تطبیقی که طرح پیشنهاداتی برای اصلاح، حذف یا افزودن مقررات مناسب و بهبود دهنده است، به انجام برسد.

۱- شروط غیرمنصفانه در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا و پس از تصویب قانون متحدالشکل تجاری^۱ حمایت از طرف ضعیف قرارداد و مقابله قضائی و قانونی با شروط غیرمنصفانه قراردادی رنگ جدی‌تری به خود گرفت. اگرچه قانون متحدالشکل تجاری آمریکا یک قانون لازم‌الاجرا نیست و تنها به عنوان الگویی نظام‌مند و یکپارچه برای یکنواخت سازی قوانین متعدد ایالتی در بحث معاملات و حقوق تجارت به کار می‌رود، اما می‌توان ادعا نمود که هر پنجاه ایالت آمریکا مقررات این قانون درخصوص حمایت از طرف ضعیف قرارداد را گاه با اندک تغییراتی مورد پذیرش و تصویب قرار داده‌اند (کبیری شاه‌آباد و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۱۶۱). در حقوق انگلیس و در پرونده ارل چسترفیلد علیه جانسن در سال ۱۷۵۰م، غیر منصفانه بودن اینگونه تعریف شده است: «قراردادی که به یک شخص عاقل در حالت عادی منعقد نمی‌کند و یک فرد درستکار، صادق و با انصاف نیز، آن را نمی‌پذیرد» (کاظم پور، پیشین: ص ۴۰).

همچنین ماده ۳ دستورالعمل ۹۳/۱۳ اتحادیه اروپا شرطی را غیرمنصفانه معرفی کرده است که دو شرط را دارا باشد، اولاً، خلاف لزوم حسن نیت باشد و ثانیاً، باعث ایجاد عدم تعادل قابل توجه در حقوق و تعهدات طرفین نسبت به یکدیگر شود (عادل و شمس‌اللهی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۸). در نظام حقوقی ایالات

^۱ Uniform Commercial Code

متحده شروط بسیار غیرمنصفانه قراردادی به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: شروط بسیار غیرمنصفانه از بعد شکلی و شروط بسیار غیرمنصفانه از بعد ماهوی (Allen Lef, 1967: p485). در ادامه به بررسی این تقسیم‌بندی می‌پردازیم.

۱-۱- معیار تشخیص شروط غیر منصفانه

شرح غیرمنصفانه بودن علی‌الخصوص در قراردادهای و معاملاتی که برای هر دو طرف قرارداد سودمندند، دشوار است (Wertheimer, 1992: p479)؛ لذا باید در پی تعیین ملاک‌ها و معیارهایی بود تا به‌وسیله آنها بتوان شروط غیرمنصفانه را تشخیص داد. به همین جهت است که در ابتدای مقاله حاضر به تعیین مولفه‌های شروط غیرمنصفانه می‌پردازیم. غیرمنصفانه بودن یک قرارداد دو گونه است؛ یک نوع این است که اوضاع حاکم بر وضعیت طرفین در حین انجام معامله و طریقه انعقاد قرارداد و نابرابری‌هایی که طرفین در حین انعقاد قرارداد داشته‌اند و به نوعی یکی از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردار بوده است، بررسی شود و دیگر گونه بدین شکل است که، نابرابری و ناعدالتی موجود در محتوای قرارداد، بررسی می‌شود (کاظم پور، ۱۳۹۲: ص ۱۹).

برای تعیین معیارهای غیرمنصفانه بودن شروط قرارداد، نویسندگان حقوقی موارد متعددی شمرده‌اند که گاه در یکدیگر قابل ادغام‌اند و گاه برخی از آن مولفه‌ها توسط برخی نویسندگان حقوقی مورد تردید واقع شده‌اند. لیکن از مطالعه مولفه‌های مذکور می‌توان به این نتیجه دست یافت که معیارهایی که میان تمام آنها مشترک است و حقوقدانان و نویسندگان حقوقی بر آنها اتفاق نظر دارند عبارتند از: عدم تعادل حقوق و تعهدات، دشواری اجرای تعهدات، فقدان حق انتخاب، اضطرار و ضرورت، مزیت تهدید و وجود تشکیلات قوی برای یک طرف (ساردویی نسب و کاظم پور، ۱۳۹۰: صص ۴۵-۵۲).

از آنجایی که این بخش از اهداف اصلی پژوهش حاضر نیست از پرداختن تفصیلی به موضوع خودداری می‌کنیم و به شرح مختصری در این باره اکتفا می‌نماییم. به طور کلی همواره حقوقدانان و قانونگذاران در بحث شروط غیرمنصفانه و حمایت از طرف ضعیف قراردادی، برهم خوردن تعادل حقوق و تعهدات و دشواری بیش از حد اجرای تعهدات را از عوامل تحمیلی بودن و غیرمنصفانه بودن شروط به حساب می‌آورند. چراکه نمی‌توان تصور نمود که شروطی در قرارداد وجود داشته باشد که تعادل قرارداد را بر هم زده و اجرای تعهدات را برای یکی از طرفین دشوار سازد و سود حاصله برای طرفین نسبت به سرمایه‌گذاری‌شان ناعادلانه باشد، و آن شروط را منصفانه به حساب آورد.

به علاوه، در مواردی که یک طرف قرارداد تشکیلات قدرتمند و بانفوذی در اختیار دارد، یا یکی از طرفین ناچاراً و از روی ضرورت اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید، یا شروط قراردادی بدون مذاکره و داشتن حق انتخاب یکی از طرفین و یا اعمال تهدید از سوی یکی از طرفین همراه است، گریزی از غیرمنصفانه بودن برخی شروط قرارداد نیست. چراکه هدف اصلی معاملا و قراردادهای تجاری کسب سود است و

اصولاً تجار، قدرتمندان و بازرگانان برای مشتریان خود آنقدر اهمیت قائل نیستند که به سود و منفعت آنها فکر کنند (Willett, 2007: p385) و درخصوص حجم تشکیلاتی یکی از طرفین در برابر طرف دیگر باید گفت که اگر یکی از طرفین قرارداد از نظر تشکیلاتی بزرگتر، ثروتمندتر و بانفوذتر از دیگری باشد، قدرت چانه‌زنی و مانور بهتری دارد؛ زیرا تشکیلات حجیم و ثروتمند، قدرت کنترل شرایط و وسعت عملیات بیشتری به وی می‌دهد. البته همیشه اینگونه نیست که شرکتی که از حجم تشکیلاتی و اندازه بزرگتری برخوردار است، از نظر قدرت چانه‌زنی هم قوی‌تر باشد.

۱-۲- انواع شروط غیرمنصفانه

شروط غیرمنصفانه در حقوق ایالات متحده از دو بعد بررسی می‌شوند. هر گاه اصطلاحاً «شیطنت در معامله» صورت پذیرد، شروط غیرمنصفانه در قرارداد به صورت شکلی بررسی شده و هرگاه قرارداد حاصله ناعادلانه تلقی گردد، شروط غیرمنصفانه از بعد ماهوی بررسی می‌گردند (Hillman, 1981: p6).

۱-۲-۱- شروط غیرمنصفانه شکلی

دادگاه‌ها برای تعیین اینکه آیا یک قرارداد از نظر شکلی (رویه‌ای) غیرمنصفانه است یا خیر، عوامل مرتبط با چگونگی شکل‌گیری قرارداد را بررسی می‌کنند؛ به ویژه، به روند مذاکره و طرفین توجه دارند. انجام این فرآیند توسط دادگاه‌ها، ارزیابی این است که آیا یکی از طرفین در تلاش خود برای دستیابی به یک توافق مطلوب غیرمنصفانه پیش رفته است یا خیر (Farnsworth, 2004: p534). این همان دستیابی دادگاه‌ها به تشخیص نابرابری قدرت چانه‌زنی طرفین است. به طور کلی گفته می‌شود که یافتن شروط غیرمنصفانه شکلی به نابرابری «قدرت چانه‌زنی» بستگی دارد (E.g., Lona v. Citibank, 2011).

یک نقطه شروع معقول برای طی کردن چنین فرآیندی این است که بپرسیم طرفین چه کسانی هستند، به ویژه با توجه به تحصیلات، تجربه و سایر عوامل مرتبط با پیچیدگی‌های تجاری و اقتصادی. درواقع، موقعیت نسبی طرفین در فرآیند چانه‌زنی بسیار تاثیرگذار است (Corbin, 1982: p554). بنابراین تلاش برای توصیف ویژگی‌هایی که ممکن است تا حدی به یافتن دلالتی مبنی بر غیرمنصفانه بودن شکلی (رویه‌ای) قرارداد ختم گردد، به ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی طرفین نیز وابسته است. مثلاً فقدان تحصیلات عاملی است که بسیاری از دادگاه‌ها آن را در نظر می‌گیرند. بی‌سوادی یا ناتوانی در درک زبان قرارداد نیز در نظر گرفته می‌شود (Fort, 1978: p765). به طور کلی می‌توان گفت که برای افراد فقیر (بدون تحصیلات و تجربه) مذاکره و درک قرارداد دشوارتر است.

یکی دیگر از عواملی که مورد بررسی دادگاه‌ها قرار می‌گیرد، تحلیل تکنیک‌های فریبنده در حین انعقاد قرارداد است. هنگامی که طرفین در شرایط مساوی هستند، اغلب موضوع چانه‌زنی منصفانه با درک هر یک از طرفین از توافق و توافق نمودن پس از تأمل کافی و با دقت بالا، لازم است. اما ممکن

است یکی از طرفین اقدام به استفاده از تکنیک‌های حيله‌گرانه کند. مثلاً طی فروشی حيله‌گرانه یک قرارداد از پیش تعیین شده را به یک مصرف‌کننده شگفت‌زده ارائه کند. در زمینه شروط غیرمنصفانه شکلی، این دومی (یعنی استفاده از شیوه چانه زنی فریبنده) است که برای یافتن بی‌وجدانی و غیرمنصف بودن طرف قرارداد کار می‌کند (Farnsworth, 2004: p538). مثلاً معاملاتی که در خانه شخصی انجام می‌شوند، به‌ویژه با استفاده از تاکتیک‌های فروش پرفشار، اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرند (Crandall and Whaley, 2004: pp608-609).

روش‌های دیگری نیز برای غیرمنصفانه بودن رویه‌ای قراردادهای مورد بررسی قرار می‌گیرند. قراردادهای الحاقی یکی دیگر از این روش‌ها هستند. دلیل اینکه چنین قراردادهایی برای غیرمنصفانه بودن توسط دادگاه‌ها بررسی می‌شوند این است که چنین قراردادهایی توسط یک طرف طراحی شده و بر اساس آن ارائه می‌شوند، یعنی به نوعی قراردادهای یک طرفه محسوب می‌شوند. البته باید توجه داشت که یک قرارداد الحاقی فی نفسه موجب یک صدور حکم غیرمنصفانه بودن قرارداد نمی‌شود، اما معمولاً در این جهت عمل می‌کند؛ در صورتی که عقد اساساً غیرمنصفانه باشد (Posner, 2007: p115).

۱-۲-۲- شروط غیرمنصفانه ماهوی

قرارداد غیرمنصفانه ماهوی قراردادی است که به طور جداگانه از عوامل پیرامونی (عوامل شکلی که در بخش قبل توضیح داده شد) مورد بحث قرار می‌گیرد و فارغ از برابری یا نابرابری طرفین، به حد قابل توجهی یک طرفه است (Calamari and Perillo, 1987: p407). موارد متعددی وجود دارند که باعث غیرمنصفانه تلقی شدن قرارداد از حیث ماهوی می‌شوند.

یکی از این موارد، ارزش معامله و قرارداد است. در ایالات متحده دادگاه‌ها عموماً تمایلی به مداخله در قیمت‌گذاری ندارند، اما با این وجود مواردی وجود داشته است که قیمت آنقدر از ارزش کالا یا خدمات فاصله داشته که اساساً غیرمعقول و غیرمنصفانه تلقی شده است. معمولاً این موارد شامل نوعی ترتیبات اعتباری است که با پرداخت اقساط با سود بالا همراه است (Farnsworth, 2004: p596). دادگاه‌ها تمایل دارند بر جنبه‌های رویه‌ای همراه با مدت قیمت تأکید کنند، اما در مواردی قیمت کل را به تنهایی برای یک تصمیم غیرمعقول کافی تشخیص داده‌اند.

از دیگر موارد قابل توجه در این بحث، محدودیت‌های جبران خسارت و سلب مسئولیت از ضمانت‌نامه‌ها است. اگر شرطی که برای جبران خسارت در خصوص ضمانت‌نامه‌ها، محدودیت تعیین کند، غیرمعقول تلقی می‌شود و ممکن است چنین شرطی توسط دادگاه کنار گذاشته شود (ماده ۷۱۹-۲ قانون متحدالشکل تجاری). مورد قابل توجه دیگر، شروط تعیین دآوری در قراردادها است. گنجاندن موافقت‌نامه دآوری در قراردادها روز به روز بیشتر از قبل می‌شود، همین مسئله باعث شده است تا حساسیت‌ها نسبت به غیرمنصفانه بودن چنین توافقاتی نیز افزایش یابد (Broome, 2006: p41). حمله به بندهای دآوری،

اغلب توسط مصرف‌کنندگان و کارکنان در قراردادهای کار موفقیت آمیز بوده است. به بیان دیگر، در چنین قراردادهایی (قراردادهای مصرف و کار) دلایلی نظیر فقدان قصد متقابل برای بند داوری، هزینه‌های داوری و ... موجب گردیده است تا دادرسان چنین بندهایی را با حساسیت بالا بررسی کنند (Ellinghaus, 1969: pp803-805).

البته باید گفت که نمی‌توان فهرست مشخصی از شروطی که منجر به غیرمنصفانه تلقی شدن قرارداد از بعد ماهوی می‌گردند، تشکیل داد؛ چرا که توصیف جزییات نوع شروط و بندهایی که در چنین فهرستی قرار می‌گیرند به سختی امکان پذیر است. جدای از موارد ذکر شده در بالا، شروطی نظیر چشم‌پوشی از دفاع که معمولاً برای قراردادهای بدون مسئولیت استفاده می‌شود، سلب مسئولیت در قبال خسارات بعدی، بندهای سررسید فروش که توسط بانک‌ها برای دریافت مانده در صورت فروش یا در صورت گرفتن وام مسکن دوم توسط مالک استفاده می‌شود و بندهای فسخ به اراده، نیز می‌توانند موجب غیرمنصفانه تلقی شدن قرارداد از حیث ماهوی گردند (Epstein, 1975: pp306-315).

۱-۳- روش‌های مقابله با شروط غیرمنصفانه

قانونگذار در ماده ۳۰۲-۲ قانون متحدالشکل تجاری مقرر نموده است: «۱- اگر محکمه برحسب قانون، طرف قرارداد را در زمان انعقاد قرارداد غیر منصف تشخیص دهد، دادگاه می‌تواند از اجرای قرارداد امتناع ورزد، یا می‌تواند باقیمانده قرارداد را بدون شروط غیرمنصفانه اجرا کند. یا ممکن است استفاده از هر شرط غیر منصفانه را به گونه‌ای محدود کند که از هرگونه نتیجه نامعقول جلوگیری شود. ۲- هنگامی که ادعا می‌شود یا به نظر دادگاه می‌رسد که هر یک از شروط قرارداد ممکن است غیرمجاز باشد، به طرفین فرصت معقولی داده می‌شود تا شواهدی در مورد موقعیت تجاری، هدف و اثر آن ارائه دهند تا به دادگاه در تصمیم‌گیری کمک کنند»^۱ در ادامه به تفصیل به این ماده می‌پردازیم.

۱-۳-۱- فسخ قرارداد

فسخ در لغت به معنای نقض، زایل گردانیدن، تباہ کردن و شکستن آمده است (عمید، ۱۳۸۱: ذیل واژه فسخ). فسخ که به آن انحلال ارادی قرار داد نیز گفته می‌شود، در اصطلاح حقوقی عبارت از پایان دادن حقوقی به قرار داد به وسیله یکی از دو طرف قرارداد یا شخص ثالث است (شهیدی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۲).

¹ (1) If the court as a matter of law finds the contractor any clause of the contract to have been unconscionable at the time it was made the court may refuse to enforce the contract, or it may enforce the remainder of the contract without the unconscionable clause, or it may so limit the application of any unconscionable clause as to avoid any unconscionable result. (2) When it is claimed or appears to the court that the contractor any clause thereof may be unconscionable the parties shall be afforded a reasonable opportunity to present evidence as to its commercial setting, purpose and effect to aid the court in making the determination.

طرح دعوی دفاع در برابر شروط غیرمنصفانه در برابر اجرای یک قرارداد یا بخشی از قرارداد است. اگر قراردادی برای یکی از طرفین ناعادلانه یا ظالمانه باشد، به نحوی که حاکی از سوء استفاده در حین شکل گیری آن بوده باشد، دادگاه ممکن است آن را غیرمنصفانه تشخیص دهد و از اجرای آن امتناع ورزد (Hunter, 1992: p153). از دقت در بند ۱ ماده ۳۰۲-۲ قانون متحدالشکل تجاری مشخص است که قانون حق فسخ قرارداد را به دادرسی اعطا نموده و در بند ۲ ماده مزبور، حق فسخ توسط طرفین نیز به آنها اعطا شده است.

۱-۳-۲- تعدیل

تعدیل در لغت به معنای معتدل کردن، تقسیم کردن از روی عدالت، کم کردن، راست کردن و هم‌وزن کردن آمده است (معین، ۱۳۸۶: ص ۳۰۹؛ عمید، پیشین: ص ۲۱۹). در اصطلاح حقوقی هم به معنای ایجاد توازن در قراردادی که به واسطه برخی شرایط تعادل خود را از دست داده است، می‌باشد (جعفری، ۱۳۸۸: ص ۲۱). اصولاً بحث از تعدیل قرارداد زمانی معنا دارد که تعادل و توازن میان تعهدات مقابل مخدوش شده باشد. طبیعی است که تصور چنین وضعیتی در قرارداد که میان انعقاد و تکمیل اثر آن فاصله‌ای نباشد، یا فاصله زمانی اندکی باشد، بسیار بعید است، درحالی‌که قراردادهای مستمر، همیشه آستن روبروایی با حوادثی هستند که می‌توانند تعادل تعهدات طرفین را مختل سازند. پس طبیعی است که هرگاه تعداد قراردادهای با اجرای طولانی‌مدت افزایش یابد، ضرورت بررسی تعدیل قرارداد نیز بیشتر شود. این در حالی است که امروزه بسیاری از قراردادهای مهم بین‌المللی یا ملی، همچون پروژه‌های بزرگ عمرانی و صنعتی و کشاورزی از این عقود هستند و هرچه زمان می‌گذرد بر تعداد این قراردادها افزوده می‌شود.

از سوی دیگر، هر چه عوامل خارجی تأثیرگذار بر قراردادهای مستمر بیشتر باشد، قراردادهای موضوع بحث آسیب‌پذیرتر بوده، در نتیجه، نیاز به بحث از بازبینی آنها بیشتر احساس خواهد شد (محمدی و چیت‌سازیان، ۱۳۹۹: ص ۱۳). تعدیل قراردادها به سه نوع تعدیل قضایی، قانونی و قراردادی تقسیم‌بندی می‌شود. در ادامه به بررسی سه نوع مذکور در نظام حقوقی ایالات متحده و امکان استفاده از آنها در قراردادهای شامل شروط غیرمنصفانه می‌پردازیم.

۱-۳-۱- تعدیل قراردادی

گاهی اوقات پیش می‌آید که طرفین قرارداد، قرارداد را به گونه‌ای منعقد می‌کنند و شرایط و مفادی در آن وضع می‌نمایند که در اثر تغییر اوضاع و احوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد، قرارداد منعقد شده از انعطاف لازم برخوردار باشد و بتواند خود را با اوضاع پیش آمده وفق دهد. این نوع تعدیل در مفاد قرارداد که توسط طرفین و از پیش تعیین شده باشد را تعدیل قراردادی می‌نامند که ناشی از توافق و اراده طرفین

معامله است. امروزه شاید نتوان کشوری را یافت که در مقررات و قوانین موضوعه خود تعدیل قراردادی را به رسمیت نشناخته باشد؛ در نظام حقوقی ایالات متحده نیز به رسمیت شناخته شده است و در قوانین متعددی بدان اشاره شده است. قانونگذار آمریکایی در ماده ۳-۱۰۳ بخش ۵۰ عنوان ۴۸ مقررات و قوانین فدرالی^۱ خود صراحتاً تعدیل قراردادی و تعدیل به درخواست طرفین قرارداد را به رسمیت شناخته است. همچنین در ماده ۲-۱۰۳ قانون مزبور، انواع تعدیل قراردادی بیان شده است که تعدیل قراردادی یکی از آنها به شمار می‌رود.

۱-۳-۲- تعدیل قانونی

گاهی علیرغم آنکه متعاملین پیش بینی خاصی برای احتمال تغییر اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد نکرده‌اند، قانونگذار در شرایطی خاص و با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی، بازنگری در مفاد و شرایط قرارداد را لازم دانسته است و به صراحت آن را در قانون مقرر کرده است. این نوع بازنگری در مفاد عقد را تعدیل قانونی گویند. قانونگذار در ماده ۱۰۸-۲A قانون متحدالشکل تجاری برخی مصادیق تعدیل قانونی را بیان کرده است: «۱- اگر محکمه به حکم قانون، یکی از شروط عقد اجاره را در زمان انعقاد عقد اجاره نامطلوب تشخیص دهد، دادگاه می‌تواند از اجرای قرارداد اجاره امتناع کند یا باقیمانده اجاره را اجرا کند. قرارداد را به قرارداد بدون شرط غیرمنصفانه بدل کرده، یا ممکن است به گونه‌ای اعمال هر شرط غیرمنصفانه را محدود کند تا از هر گونه نتیجه نامعقول جلوگیری شود. ۲- در مورد اجاره مصرفی، اگر دادگاه طبق قانون تشخیص دهد که نسبت به یک طرف قرارداد اجاره، هر یک از بندهای قرارداد از رفتار غیرمنصفانه ناشی شده است، دادگاه می‌تواند تخفیف مناسب را اعطا کند. ۳- قبل از اعلام عدم انصاف طبق بند (۱) یا (۲)، دادگاه، به خواست خود یا یکی از طرفین، به طرفین فرصت معقولی برای ارائه شواهد در مورد نحوه، هدف، و تأثیر شرط قرارداد اجاره یا رفتار غیرمنصفانه خواهد داد. ۴- در دعوی که در آن مستأجر در مورد اجاره مصرف کننده ادعای شروط غیرمنصفانه می‌کند:

(الف) در صورتی که دادگاه طبق بند (۱) یا (۲) شروط را غیرمنصفانه تشخیص دهد، دادگاه حق الاجاره معقولی را برای مستأجر تعیین می‌کند. (ب) اگر دادگاه شرط غیرمنصفانه‌ای تشخیص نداد و مستأجر دعوی شروط و قرارداد تحمیلی را که می‌دانست بی‌اساس است اقامه یا ادامه داده باشد، دادگاه حق الاجاره معقول را به نفع طرفی که علیه او ادعا شده است، تعیین می‌کند. (ج) در تعیین حق الاجاره، میزان بازبایی از طرف خواهان طبق بندهای (۱) و (۲) کنترل کننده نیست»^۲.

¹ 48 CFR (Code of Federal Regulations) § 50.103-3 - Contract adjustment

² (1) If the court as a matter of law finds a lease contractor any clause of a lease contract to have been unconscionable at the time it was made the court may refuse to enforce the lease contract, or it may enforce the remainder of the lease contract without the unconscionable clause, or it may so limit the application of any unconscionable clause as to avoid any unconscionable result. (2) With respect to a

۱-۳-۲-۳- تعدیل قضایی

تعدیل قضایی عبارت است از اینکه قاضی به استناد حکم کلی در قانون یا با استنباط از قواعد حقوقی و عرفی، در صورتی که تعهدات بین دو طرف عقد در اثر حوادث پیش بینی ناپذیر نابرابر شده باشد، بتواند مفاد قرارداد منعقدہ بین متعاملین را بازبینی کند (مرادی، ۱۳۹۲: ص ۳۲۱). به عبارت دیگر، تعدیل و بازنگری در مفاد قرارداد توسط متعاملین و قانونگذار پیش بینی نشده است، لیکن ضرورت حاصله از تغییر در اوضاع و احوال ایجاب می‌کند که دادرس با بهره‌گیری از اصول حقوقی یا با تفسیر اراده متعاقدين، در مفاد قرارداد بازبینی و در صورت لزوم آن‌ها را تعدیل نماید.

در نظام حقوقی ایالات متحده برای تعدیل قراردادهایی که دربردارنده شروط غیرمنصفانه است، تعدیل قضایی پیش‌بینی شده است و موارد متعددی هم در قوانین موضوعه آن قابل مشاهده است. ماده ۲-۳۰۲ قانون متحدالشکل تجاری و مواد ۲-۱۰۳ و ۳-۱۰۳ بخش ۵۰ عنوان ۴۸ قوانین فدرالی آمریکا، تعدیل قضایی را به رسمیت شناخته‌اند.

۲- شروط غیرمنصفانه در نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران و در قواعد عمومی قراردادهای، مقرره‌ای که به شروط غیرمنصفانه در قراردادهای اشاره کرده باشد؛ لکن چنین موضوعی در قوانین خاص یافت می‌شود. قانونگذار ایرانی به طور پراکنده در قوانینی از تعدیل، تعلیق و ابطال قراردادهای شامل شروط غیرمنصفانه صحبت به میان آورده است. ابتدا در ماده ۱۷۹ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳^۱ به این مورد اشاره کرده است. سپس در ماده ۴۶ قانون تجارت

consumer lease, if the court as a matter of law finds that a lease contractor any clause of a lease contract has been induced by unconscionable conduct or that unconscionable conduct has occurred in the collection of a claim arising from a lease contract, the court may grant appropriate relief.

(3) Before making a finding of unconscionability under subsection (1) or (2), the court, on its own motion or that of a party, shall afford the parties a reasonable opportunity to present evidence as to the setting, purpose, and effect of the lease contractor clause thereof, or of the conduct.

(4) In an action in which the lessee claims unconscionability with respect to a consumer lease:

(a) If the court finds unconscionability under subsection (1) or (2), the court shall award reasonable attorney's fees to the lessee.

(b) If the court does not find unconscionability and the lessee claiming unconscionability has brought or maintained an action he [or she] knew to be groundless, the court shall award reasonable attorney's fees to the party against whom the claim is made.

(c) In determining attorney's fees, the amount of the recovery on behalf of the claimant under subsections (1) and (2) is not controlling.

^۱ هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرائط آن بتشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد ممکن است بتقاضای هر یک از طرفین بوسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود.

در کلیه موارد چنانچه ثابت شود رضایت یکی از طرفین قرارداد بر اثر حیله یا خدعه یا اغفال جلب شده است و یا اجرت مذکور در قرارداد ذکر شده به نسبت خدمت انجام یافته فوق العاده زیاد و یا کم است دادگاه میتواند به تقاضای یکی از طرفین قرارداد را تغییر داده و یا بطلان آنرا اعلام نماید.

الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ مقرر نموده است: «استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط غیر منصفانه به ضرر مصرف‌کننده، مؤثر نیست». پس از آن در سال ۱۳۸۶ قانونگذار در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، رعایت برابری حقوق و تعهدات طرفین را الزام نموده است.

در ماده ۶ قانون مزبور آمده است: «چنانچه انجام تعهدات عرضه‌کننده به دلیل حوادث غیرمترقبه (غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل رفع) ناممکن باشد، این تعهدات به حالت تعلیق درمی‌آید. مدت تعلیق به دوره ضمانت افزوده می‌شود». قانونگذار در این ماده به حمایت از طرف ضعیف قرارداد در صورت وجود سختی بیش از حد در اجرای تعهدات اشاره کرده است. با دقت بیشتر در ماده مزبور می‌توان به این نتیجه رسید که چنانچه وجود شروط غیرمنصفانه هم موجب مشقت در اجرای تعهدات شود و تعادل حقوق و تعهدات طرفین را از بین ببرد، امکان تعلیق قرارداد وجود دارد.

همچنین قانونگذار در ماده ۷ قانون مزبور، بدین صورت بلااثر بودن شروط غیرمنصفانه را مقرر کرده است: «هرنوع توافق مستقیم یا غیرمستقیم بین عرضه‌کننده، واسطه فروش با مصرف‌کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه‌کننده بر طبق این قانون و یا ضمانتنامه صادره برعهده دارد ساقط نماید یا به عهده واسطه فروش یا هر عنوان دیگری گذارده شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر می‌باشد. تبصره - انعقاد هر نوع قراردادی که حقوق و تکالیف طرفین قرارداد و مشمولین این قانون در آن رعایت نشود به استناد ماده (۱۰) قانون مدنی و مورد مشابه غیرقانونی و از درجه اعتبار ساقط است».

لکن نمی‌توان اعتباری برای قوانین اخیرالذکر در قراردادهای تجاری متصور بود (شمس‌اللهی، ۱۴۰۰: ص ۲۳۱). تا اینکه قانونگذار در سال ۱۳۸۶ در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی در بند «ط» ماده ۴۵، تغییر شگرفی در دیدگاه خود نسبت به مسئله مطروحه ایجاد کرد. در ماده مزبور و بند «ط» آن آمده است: «اعمال ذیل که منجر به اختلال در رقابت می‌شود، ممنوع است: ... ط - سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط به یکی از روش‌های زیر: ... ۲- تحمیل شرایط قراردادی غیرمنصفانه، ... ۵ - مشروط کردن قراردادها به پذیرش شرایطی که از نظر ماهیتی یا عرف تجاری، ارتباطی با موضوع چنین قراردادهایی نداشته باشد، ...».

این موارد مطروحه در ماده مزبور به مولفه تشکیلات قوی‌تر مربوط می‌گردند. به عبارت دیگر قانونگذار در ماده مزبور شروط غیرمنصفانه در قراردادها را ممنوع اعلام کرده است. لکن پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که قلمرو اجرای این ماده از موادی که پیش‌تر گفته شد و بیان شد که در قراردادهای تجاری اعتبار چندانی ندارند، گسترده‌تر است یا خیر؟ پاسخ به این سوال را در ماده ۴۳ همین قانون می‌توان یافت: «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی مشمول مواد این فصل هستند». لذا حکم مقرر در ماده ۴۵ این قانون در روابط حقوقی همه

اشخاص حقوقی و حقیقی قابل اعمال است و بر روابط حقوقی میان مصرف کننده و عرضه کننده نیز حاکم می‌باشد (غفاری فارسانی، ۱۳۸۹: ص ۱۹۳).

قانونگذار ایرانی در برخی قوانین دیگر نیز به مقابله با شروط غیرمنصفانه برخاسته است. در بند ۵ ماده ۱ قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸^۱ و در ماده ۸ همین قانون^۲ تحمیل شروط غیرمنصفانه را از مصادیق تبانی برشمرده است. همچنین در ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ به مقابله با شروط غیرمنصفانه در قراردادهای بیمه‌ای پرداخته و مقرر کرده است: «درج هرگونه شرط در بیمه نامه که برای بیمه گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه نامه نمی شود. همچنین اخذ هرگونه رضایتنامه از زیان دیده توسط بیمه گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایتنامه ای بلااثر است».

۳- نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که به شروطی که حسن نیت طرفین در انعقاد قرارداد را زیر سوال ببرد و تعادل حقوق و تعهدات متقابل طرفین را برهم بزند به طوری که اجرای آنها موجب ایراد خسارت به یکی از طرفین گردد، شروط غیرمنصفانه می‌گویند. امروزه مقابله با چنین شروطی در دستور کار اکثر نظام‌های حقوقی دنیا قرار گرفته است و یا مقررات محکم با ضمانت اجراهای قوی برای آن وضع نموده‌اند و یا به‌طور جسته و گریخته به وضع قوانینی در خصوص آن پرداخته‌اند.

در نظام حقوقی ایالات متحده، با تدوین قانون متحدالشکل تجاری مقابله با شروط مذکور به طور جدی تری دنبال شد و در قوانین موضوعه ایالت‌های آمریکا چنین چیزی به وضوح قابل دریافت است. راهکار و ضمانت اجرا نیز برای آن در نظر گرفته شده است. قانونگذار آمریکایی فسخ و تعدیل قرارداد را برای مقابله با چنین شروطی مقرر نموده است. تعدیل قراردادی، قانونی و حتی قضایی نیز برای تعدیل و تعلیق قراردادهای شامل شروط ناعادلانه پیش بینی شده است و نظام حقوقی آمریکا برای مقابله با این شروط، دست دادرسان را باز گذاشته است. این موارد در قانون متحدالشکل تجاری و قانون فدرالی ایالات متحده صراحتاً بیان شده‌اند.

^۱ هرگونه سازش و مواضع بین عرضه کنندگان کالا و خدمات به منظور افزایش قیمت یا کاهش کیفیت یا محدود نمودن تولید یا عرضه کالا و خدمات یا تحمیل شرایط غیر عادلانه بر اساس عرف در معاملات.

^۲ هرگونه تبانی و تحمیل شرایط از سوی عرضه کنندگان کالا و خدمات، که موجب کاهش عرضه یا پایین آوردن کیفیت، یا افزایش قیمت شود، جرم محسوب می‌شود.

همچنین در حقوق ایالات متحده شروط غیرمنصفانه به دو دسته شروط غیرمنصفانه شکلی و شروط غیرمنصفانه ماهوی تقسیم می‌شوند. در بررسی شکلی شروط غیرمنصفانه، عوامل پیرامونی اثرگذار بر قرارداد که منجر به غیرمنصفانه تلقی شدن قرارداد می‌گردند، مورد بحث قرار می‌گیرند؛ مثل قدرت چانه زنی برتر یکی از طرفین و نابرابری اقتصادی یا سیاسی آنها. در بررسی ماهوی چنین شروطی نیز، بندهایی که منجر به غیرمنصفانه شدن قرارداد فارغ از عوامل پیرامونی شوند، مثل توافقات داوری، سلب مسئولیت و ... مورد بحث قرار می‌گیرند.

لکن در نظام حقوقی ایران شرایط به گونه‌ای دیگر است. در قواعد عمومی قراردادهای صحبتی از شروط غیرمنصفانه به میان نیامده است و قانونگذار ایرانی به این مسئله تنها در موادی اندک از برخی قوانین خاص اشاره نموده است؛ قوانینی نظیر «قانون دریایی»، «قانون تجارت الکترونیک»، «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه»، «قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو»، «قانون حمایت از مصرف کنندگان» و «قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی».

اما در هیچکدام از قوانین ذکر شده به جز قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، مقررات مرتبط با مقابله با شروط غیرمنصفانه را نمی‌توان به قراردادهای تجاری سرایت داد. ماده ۴۳ قانون مزبور امکان تسری بخشی را به نویسنده حقوقی داده است. لکن، ضمانت اجرای قوی‌ای برای مقابله با قراردادهای شامل شروط ناعادلانه در حقوق و قوانین موضوعه ایران یافت نمی‌شود. در مجموع، نتایج حاصله از مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای موضوع مورد نظر را می‌توان به شرح ذیل تقسیم بندی کرد:

- ۱- مقابله با شروط غیرمنصفانه در قوانین قراردادی ایالات متحده وضع شده ولی در قواعد عمومی قراردادهای در نظام حقوقی ایران مقررهای در این باره یافت نشد و صرفاً در بخش‌هایی از برخی قوانین خاص مقرراتی در این خصوص وضع شده است.
- ۲- ضمانت اجرای مقابله با شروط مزبور در حقوق آمریکا مناسب و کاربردی به نظر می‌رسد، لکن ضمانت اجرای مناسبی برای مسئله مزبور در قوانین موضوعه ایران موجو نیست.

پیشنهاد

با توجه به الزامات قراردادی در دنیای امروز و کمبود ضمانت اجرایی مناسب در خصوص مقابله با شروط غیرمنصفانه در نظام حقوقی ایران، شایسته است که ضمانت اجراهای محکمی برای مقابله با چنین شروطی در قوانین موضوعه ایران گنجانده شود. از طرفی برخی از انواع قراردادهای مثل قراردادهای پزشکی بر حیات و سلامت آدمی اثرگذار است. در چنین قراردادهایی طبیعتاً یک طرف در موضع ضعف و اضطراب قرارداد و حمایت از طرف ضعیف قرارداد و مقابله با شروط غیرمنصفانه و ناعادلانه در این دست

از قراردادهای ضروری به نظر می‌رسد. خلأ قانونی موجود در نظام حقوقی ایران در این زمینه به چشم می‌خورد؛ لذا شایسته است تا قانونگذار نسبت به حمایت ویژه از مصرف‌کنندگان قراردادهای پزشکی در خصوص شروط ناعادلانه قراردادی و گنجاندن ضمانت اجرای محکم و مناسب برای آن، مبادرت ورزد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- جعفری، سوده، بررسی تطبیقی تغییر اوضاع و احوال و تأثیر آن بر قرارداد (با تأکید بر قراردادهای نفتی)، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- ۲- ساردویی نسب، محمد و سیدجعفر کاظم پور، «مولفه‌های غیرمنصفانه بودن قرارداد»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، ۱۳۹۰.
- ۳- شمس‌اللهی، محسن، «شروط غیرمنصفانه در قراردادهای تجاری با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، ۱۴۰۰.
- ۴- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ ۵، ۱۳۸۱.
- ۵- عادل، مرتضی و محسن شمس‌اللهی، «شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۷.
- ۶- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۲، ۱۳۸۱.
- ۷- غفاری فارسانی، بهنام، مصرف‌کننده و حقوق بنیادین او؛ نگاهی به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۹.
- ۸- کاظم پور، سیدجعفر، «بررسی تطبیقی حمایت از طرف ضعیف قرارداد در ایتالیا و دکترین نامعقول بودن در ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۱، ۱۳۸۹.
- ۹- کاظم پور، سیدجعفر، راهکارهای حمایت از طرف ضعیف قرارداد، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۲.
- ۱۰- کبیری شاه‌آباد، حمید و محمد عیسائی تفرشی و مرتضی شهبازی نیا، «مطالعه تطبیقی رویکرد وحدت‌گرایی یا کثرت‌گرایی در خصوص ایزار توثیق اموال منقول در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، انگلستان و ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۲، ۱۳۹۶.
- ۱۱- محمد حسینی حاجی‌ور، عبدالرضا، «بررسی آثار شروط ناعادلانه قراردادی در عقود و قراردادها»، فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار، دوره ۵، شماره ۲۰، ۱۴۰۰.
- ۱۲- محمدی، میثم و مرتضی چیت‌سازیان، تعدیل قرارداد در آیین فقه و حقوق ایران، تهران، انتشارات چتر دانش، ۱۳۹۹.
- ۱۳- مرادی، خدیجه، «تحلیل مبانی تعدیل قضایی در حقوق ایران و فقه امامیه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۴۶، شماره ۲، ۱۳۹۲.

۱۴- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، نشر زرین، چاپ ۳، ۱۳۸۶.

ب) منابع انگلیسی

- 15- Allen Ief, Arthur, "Unconscionability and the Code; The Emperor's New Clause", 115 U. Pa. L. Rev, 1967.
- 16- Barnhizer, Daniel, "Inequality of Bargaining Power", Legal Studies Research Paper Series, Vol.02, No.01, 2005.
- 17- Broome, Stephen, "An Unconscionable Application of the Unconscionability Doctrine: How the California Courts Are Circumventing the Federal Arbitration Act", 3 Hastings Bus. L. J. 39, 2006.
- 18- Calamari, John and Perillo, Joseph, The Law of Contracts, 3rd Edition, West Group, 1987.
- 19- Corbin, Arthur, Corbin on Contracts, 2nd Edition, West Group, 1982.
- 20- Crandall, Thomas and Whaley, Douglas, Cases, Problems, and Materials on Contracts, 4th Edition, Aspen Law & Business, 2004.
- 21- Ellinghaus, M.p., "In Defense of Unconscionability", 78 Yale L.J. 757, 1969.
- 22- Farnsworth, Edward Allan, Farnsworth on Contracts, 3rd Edition, New York, Wolters Kluwer, 2004.
- 23- Fort, Jeffrey, "Understanding Unconscionability: Defining the Principle", 9 Loy. U. Chi. L.J. Issue. 4, 1978.
- 24- Hillman, Robert, "Debunking Some Myths About Unconscionability: A New Framework for U.C.C. Section 2-302", 67 Cornell L. Rev. 1, 1981.
- 25- Hunter, Richard J, "Unconscionability Revisited: A Comparative Approach", North Dakota Law Review, Vol.68, No.1, Article 4, 1992.
- 26- Lona v. Citibank, Court of Appeal, Sixth District, California, No. H036140, 202 Cal. App. 4th 89, December 21, 2011.
- 27- Posner, Richard, Economic Analysis of Law, 7th Edition, Aspen Pub, 2007.
- 28- Wertheimer, Alan, "Unconscionability and Contracts", Business Ethics Quarterly, Vol.2, No.4, 1992.
- 29- Willet, Chris, "Fairness in Consumer Contracts: The Case of Unfair Terms", United Kingdom, Ashgote, 2007.



Comparative study of unfair terms in commercial contracts (legal systems of Iran and the United States)

Mohammad Omid^{*}
Jamshid Mirzaie^{**}

Abstract

A condition in a contract that creates rights and obligations for the parties, the implementation of which causes damage to one of the parties to the contract, is called an unfair condition. Such a condition is entered into the contract due to the position of weakness and strength of the parties, or in other words, the greater bargaining power of one of the parties. The creation of such a situation in some contracts caused justice seekers to pay more attention to the terms included in the contract and seek to establish justice-oriented laws in an effort to protect the vulnerable. Therefore, the importance of the issue made the aforementioned issue to be investigated in a descriptive-analytical and comparative manner in the legal systems of Iran and the United States of America. At first, the components of recognizing unfair conditions were examined. After that, the studied issue was stated in the aforementioned legal systems. In the end, it was concluded that the Iranian legislator with legal and contractual adjustment and the American legislator with a concept called "doctrine of unreasonableness" have supported the injured party from unfair terms.

Key Words

American law, Iranian law, unfair terms, imposed contracts, commercial contract.

^{*} PhD student in private law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. mohamadeomidi@gmail.com

^{**} Assistant Professor of Private Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran, (corresponding author): mirzaie.1348@yahoo.com